



تحلیلی بر اصول اساسی حاکم بر ضمانتنامه‌های عندالمطالبه در حقوق تجارت بین‌الملل با نگاهی به لایحه تجارت
همایون مافی، مهدی فلاح خاریکی
تابعیت مضاعف در حقوق ایران و انگلستان
رضا حسین گندم کار، حسام الدین ترکمن، شهرزاد دربندی
شرایط پرداخت نفقه و ضمانت‌های حقوقی و کیفری استتکاف از پرداخت نفقه در فرانسه و ترکیه
آرش کامرانلو، سبحان طیبی
مسئولیت مدنی دولت در قبال اطلاع دادرسی
ابوالفتح خالقی، فاطمه خدابنده
تحلیل حقوقی شرط دوره توقف در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی
مجتبی اصغریان، محدثه احمدآبادی، محمدرضا افشاری
نقش قوه قضاییه در پیوند امنیت قضایی و امنیت اقتصادی
محمود حبیبی تبار، امیر اسماعیلی
اصل عدم قطع؛ اصلی بنیادین در تحدید حدود مناطق دریایی
محسن بهجتی
جستاری در توجیهات فایده‌گرایانه معاصر از مجازات؛ از بازدارندگی عام تا پیشگیری عام
محمدمهدی صادقی
اجرای تعهدات متوفی در حقوق ایران و فرانسه
یونس باقری
اصالت اختیار زنان در رابطه با زناشوئی و طلاق در حقوق ایران باستان
محمدمهدی داور، سعیده تسلیمی
بررسی انتقادی صلاحیت اضافی محاکم کیفری اختصاصی در مواجهه با همکاری مجرمانه
سیدمحمد خضری
شرایط ناعادلانه در مقررات قراردادهای مصرف کننده ۱۹۹۹ میلادی انگلستان
امیرمحمد ماهرخ
تحلیلی بر جایگاه اجازه نامه مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران
محمد خورشیدی اطره
جستاری در علل ظهور عمل گرایی در سیاست کیفری جرائم اقتصادی
رستم علی اکبری، آرزو چراغی، ارسلان مرادی
حق خروج از کشور طفل توسط مادر چالشی در رویه قضایی ایران (با تأکید بر دادنامه صادره شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)
محمدسعید حسینی، شایسته صالحی، ناهید قاسمی، محسن مهدیزاده
مسئولیت مدنی تورهای زیارتی در برابر خسارات وارده به زائران
علیرضا شمشیری، پریرضا رضوان
جرائم ارتكابی علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا
وحید کیومرثی، مسعود مصطفی‌پور
تحلیل فقهی و حقوقی مسئولیت مأموران آتش نشانی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
مجید کیانی‌راد
مسیرهای پر چالش پیش روی آینده حقوق هوش مصنوعی
بهرخ گنجی، محمد غریب شاه
آثار بیع خیاری در حقوق ایران و فرانسه
اردشیر امجدی گلپایگانی
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی ایران: آسیب‌شناسی و راهکارهای بهبود در دو حوزه کنشی و واکنشی
سیدبهمن اکبری
ضرورت های قرارداد در حقوق تجارت الکترونیک ایران
محسن فلاح، خاطره دروگر لیچاهی
تحلیلی بر سیاست کیفری حبس گرای سخت گیرانه و سهل گیرانه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری
حقوق بشر، پراگماتیسم و محدودیت های نظریه اخلاقی: مروری بر حقوق بشر به مثابه سیاست و بتوارگی
سهیل کلچین



Enforcement of the Deceased's Obligations in Iranian and French Law

اجرای تعهدات متوفی در حقوق ایران و فرانسه

Younes Bagheri

Master of Science in Private Law, Larestan Azad University, Larestan, Iran

یونس باقری

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد واحد لارستان، لارستان، ایران
younes.bagheri99@gmail.com

Abstract

With the death of a deceased person, rights and obligations will be transferred to his heirs, whose role in assuming these rights and duties is of great importance. The event of death affects the rights of the individual as well as his obligations. In French law, the obligations of the deceased refer to a set of legal and juridical processes that are implemented after the death of a person to manage his assets and debts. This process is mainly regulated based on the principles of inheritance and the financial responsibilities of the heirs. According to French civil law, the heirs generally assume the financial responsibilities of the deceased to the extent of the assets they inherit. Therefore, the present study aims to comparative study the implementation of the obligations of the deceased using the descriptive-analytical method and seeks to find the answer to the question: What effect does the death of a person have on the implementation of his obligations in Iranian law? The findings confirm that financial obligations are mostly unchanged and must be paid from the deceased's estate, but if the obligation is personal, the obligation will also be extinguished upon the death of the obligor and will not be transferred to his heirs. Therefore, the heirs are the successors of the deceased in his contracts, debts and obligations, and the rights and obligations that were due to the deceased will be transferred to them after the death of the deceased, unless the contract or debt is a successor to the person.

Keywords: Deadly Obligations, Deceased Heirs, Deceased Estate.

چکیده

با وفات شخص متوفی، حقوق و تعهداتی متوجه وراثت وی خواهد شد که نقش ایشان در عهده گرفتن این حقوق و تکالیف از اهمیت بالایی برخوردار است. واقعه فوت همان‌طور که بر حقوق فرد اثرگذار می‌باشد، بر تعهدات وی نیز مؤثر است. در حقوق فرانسه، تعهدات متوفی به مجموعه‌ای از فرآیندهای قانونی و حقوقی اطلاق می‌شود که پس از فوت یک شخص برای مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌های او به اجرا در می‌آید. این فرآیند به طور عمده بر اساس اصول ارث و مسئولیت‌های مالی وراثت تنظیم می‌شود. بر اساس قانون مدنی فرانسه، وراثت به طور عمومی مسئولیت‌های مالی متوفی را تا میزان دارایی‌هایی که به ارث می‌برند، عهده‌دار می‌شوند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی اجرای تعهدات متوفی در حقوق ایران و فرانسه با روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال است که در حقوق ایران فوت شخص بر اجرای تعهدات او چه تأثیری دارد؟ یافته‌ها مؤید این است تعهداتی که مالی می‌باشند، عمدتاً دچار تغییر نمی‌شوند و باید از ترکه متوفی پرداخت گردند، اما چنانچه تعهد شخصی باشد با فوت متعهد، تعهد نیز زائل شده و به ورثه وی منتقل نخواهد شد. بنابراین ورثه، قائم مقام مورث در قراردادهای دیون و تعهدات او هستند و حقوق و تعهداتی که متوجه مورث بوده، پس از فوت مورث متوجه آن‌ها می‌شود، مگر این که قرارداد یا دین، قائم به شخص باشد.

واژگان کلیدی: تعهدات متوفی، ورثه متوفی، ترکه متوفی.

Received: 2024/11/23 - Review: 2025/02/13 - Accepted: 2025/03/10

در یافتن مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

ارجاع:

باقری، یونس؛ (۱۴۰۳)، اجرای تعهدات متوفی در حقوق ایران و فرانسه، تمدن حقوقی، شماره ۲۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

فوت یک واقعه حقوقی است که بر حقوق و تعهدات مختلف یک فرد اثرات متفاوتی دارد. تعهدات مالی با فوت فرد از بین نرفته و باید از ترکه او پرداخت شود، ولی اگر تعهد قائم به شخص باشد، با فوت او از بین رفته و به وراثت منتقل نمی‌گردد. شخص متعهد تا زمانی که در قید حیات است، شخصاً پاسخگو بوده و ملزم به ایفای تعهدات خویش است، اما بعد از فوت و پایان حیات حقوقی شخص، وضعیت به گونه دیگری است. طلبکاران متوفی برای رسیدن به طلب خود به ناچار باید در پی یافتن راه‌حلی منطقی و آسان باشند، تا در سریع‌ترین زمان ممکن و با صرف کمترین هزینه، به طلب خود دست یابند. تعهداتی که مالی می‌باشند عمده‌تاً دچار تغییر نمی‌شود و باید از ترکه متوفی پرداخت گردند، اما چنانچه تعهد، قائم به شخص باشد با فوت متعهد، تعهد نیز زائل شده، بنابراین به ورثه وی منتقل نخواهد شد.

در مورد وراثت متوفی وضع به این گونه است که چون به محض فوت مورث، اموال و دارایی‌های او به ورثه منتقل می‌شود. این انتقال قهری و سبب آن فوت مورث بوده و اختیار وراثت، در آن نقشی ندارد. به تبع این انتقال تعهدات مورث نیز به وراثت انتقال می‌یابد و آن‌ها در حدود ترکه و به میزانی که از دارایی متوفی بهره‌مند می‌شوند، مسئول ایفای دیون و تعهدات مورث می‌شوند. منتها تا زمانی که ترکه در تصرف آن‌ها قرار نگیرد، مسئولیتی نداشته و الزامی در برابر طلبکاران مورث ندارند. از سوی دیگر در حقوق فرانسه تعهدات مالی متوفی می‌تواند شامل بدهی‌ها، قراردادهای جاری و تعهدات دیگر باشد که

باید توسط وراث یا نمایندگان قانونی او انجام شود. این مسئولیت‌ها تنها به میزان ارزش دارایی‌هایی که از متوفی به ارث می‌رسد، محدود می‌شود. در واقع، وراث نمی‌توانند بیشتر از آنچه که به ارث برده‌اند، مسئول بدهی‌ها یا تعهدات متوفی باشند.

اهمیت و ضرورت این پژوهش آن است که معلوم می‌گردد متوفی دارای چه تعهداتی می‌باشد و ادای این تعهدات که ممکن است مالی یا غیرمالی باشد مهم است و نباید بعد از فوت فراموش شود. تبیین وضعیت اجرای تعهدات فرد فوت شده از دلایل نگارش این پژوهش است. لذا در این پژوهش دنبال یافتن پاسخ به این سؤال‌ها هستیم: در حقوق ایران فوت شخص بر اجرای تعهدات او چه تأثیری دارد؟ آیا تعهدات متوفی تنها مربوط به امور مالی است یا امور غیرمالی را نیز در بر می‌گیرد؟ بر این اساس به عنوان مثال، در حقوق فرانسه، برای اجرای تعهدات متوفی، یک فرد به عنوان «مستحفظ»^۱ یا «مدیر دارایی‌های متوفی»^۲ تعیین می‌شود. این فرد مسئولیت دارد تا از دارایی‌های متوفی مراقبت کرده و تا زمانی که فرآیند تقسیم ارث و تسویه بدهی‌ها به پایان نرسد، به اداره اموال ادامه دهد. از سوی دیگر، ممکن است برخی از تعهدات متوفی قبل از فوت او شکل گرفته باشد و به موجب این تعهدات، برخی از قراردادهای او وظایف باید پس از مرگ ادامه یابد. این امر به ویژه در مورد قراردادهای بلندمدت، مانند قراردادهای اجاره یا بیمه، اهمیت دارد. در این راستا، وراث باید تصمیم بگیرند که آیا این قراردادهای ادامه دهند یا آن‌ها را فسخ کنند؟

با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ روش تحقیق، به صورت نظری است و روش تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی به صورت توصیفی خواهد بود. بنابراین در مبحث یکم مفهوم تعهدات متوفی؛ در مبحث دوم اجرای تعهدات متوفی؛ در مبحث سوم؛ نحوه ایفای تعهدات مورث و در مبحث چهارم به بعد نحوه اجرای تعهدات متوفی در حقوق فرانسه، تحلیل ماده ۷۲۴ قانون مدنی فرانسه و وصایای متوفی در حقوق فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- مفهوم تعهدات متوفی

برخی از حقوق‌دانان مفهوم تعهد را شامل دیون و تکالیف خانوادگی و غیرمالی می‌دانند و با این تعبیر، تمام حقوق و تکالیفی که در روابط خانوادگی بین زن و شوهر و پدر و مادر و فرزندان وجود دارد، همچنین

1- Réservé

2- Administrateur de la succession du défunt

تکالیفی که اعضای انجمن‌های ورزشی یا علمی یا خیریه بر عهده دارند، تابع قواعد عمومی تعهدات است (صفایی، ۱۳۸۶، ۱۳). از سوی دیگر برخی، تعهد را اختصاص به روابط مالی داده‌اند و معتقدند که باید قلمرو حقوق مربوط به شخصیت و خانواده را از تعهدات متمایز کرد و آنچه را در قواعد عمومی تعهد گفته می‌شود، ناظر به حقوق مالی و دیون دانست (عدل، ۱۳۸۵، ۱۰۸).

به نظر می‌رسد نظر اخیر با تحول تاریخی نظریه تعهدات و مفهوم کنونی آن سازگارتر است، به طوری که تعهد از رابطه شخصی دین و مدیون به سوی مفهومی می‌رود که در زمره اموال قرار می‌گیرد و در شمار عناصر دارایی به حساب می‌آید. بر این اساس، تعهدات متوفی، به معنای تعهداتی است که فرد پیش از فوت خود بر عهده داشته و با فوت او، این تعهدات به طور کلی به دارایی باقی‌مانده از وی منتقل می‌شود.

به بیان دیگر این تعهدات به معنای مجموعه وظایف، مسئولیت‌ها و بدهی‌هایی است که شخص پیش از فوت خود بر عهده داشته و ممکن است مالی یا غیرمالی باشند و پس از فوت فرد، به دارایی‌ها و ترکه او مرتبط می‌شوند و باید از محل دارایی‌های باقی‌مانده از وی تأمین و اجرا شوند. تعهدات متوفی نه تنها به حقوق طلبکاران مربوط می‌شود، بلکه اجرای آن‌ها پیش از تقسیم ارث، نظم و عدالت حقوقی را تضمین می‌کند. بر این اساس، اجرای صحیح و قانونی تعهدات متوفی با توجه به حفظ حقوق طلبکاران، برقراری عدالت میان وراث و اجرای اصول قانونی و اخلاقی از اهمیت بالایی برخوردار است.

۲- اجرای تعهدات پس از فوت

یکی از ویژگی‌های تعهدات لازم در مقابل تعهدات جایز این است که تعهد جایز به موت احد طرفین ساقط می‌شود، لیکن تعهد لازم حتی بعد از فوت متعهد یا طرف او همچنان لازم‌الاجرا باقی می‌ماند. اما بحثی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که دیون حاصل از این تعهدات از چه محلی باید پرداخت گردد؟ و نحوه پرداخت به چه صورت خواهد بود؟

بر این اساس، پس از فوت متعهد، ناچار باید دیون او را از محلی پرداخت کرد و بهترین محل، ترکه بازمانده از متوفی می‌باشد. پرداخت دیون از ترکه هم از نظر فقهی و قانونی امری پذیرفتنی است. دیون متوفی به بازماندگان او منتقل نمی‌شود و در حقیقت چیزی که به وارث می‌رسد اموال بازمانده از او می‌باشد. به عبارت دیگر، جنبه مثبت دارایی متوفی است که به ورثه منتقل می‌شود و به همین دلیل است که قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ در ماده ۲۲۵ مقرر می‌دارد: ورثه ملزم نیستند غیر از ترکه

چیزی به بستانکاران بدهند. در واقع دیون متوفی به ترکه او تعلق می‌گیرد و همین امر باعث شده است که برخی از حقوقدانان برای ترکه شخصیت حقوقی قائل شوند و آن را ادامه شخصیت متوفی بدانند و ترکه را پیش از تصفیه کامل و پیوستن به دارایی وارثان دارای حقوق و تعهداتی جدای از آنان می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۳۸۸). مانند شرکت در حال تصفیه که شخصیت پیشین را ادامه می‌دهد. بنابراین ترکه در مرحله اول باید به مصرف دیون متوفی برسد و ورثه تا زمانی که دیون متوفی از محل ترکه استیفاء نشود هیچ حقی نسبت به آن ندارند.

پرداخت دین از ترکه موافق اصول و قواعد نیز می‌باشد، زیرا هیچ کسی مسئولیتی در قبال تعهدات دیگری ندارد و مجبور نیست که دیون او را پردازد و حتی در مواردی هم که ورثه ترکه را بدون قید و شرط قبول می‌کنند تنها این اماره به زیان آن‌ها به وجود آمده است که ترکه به اندازه دیون در دسترس شان بوده و می‌توانند از آن محل وفای به عهد کنند، اما این امر قاطع نبوده و می‌توانند خلاف آن را ثابت کنند، در نتیجه هیچ دینی به ورثه انتقال نمی‌یابد و به ترکه تعلق می‌گیرد.

همچنین نحوه استیفاء و ترتیب آن هم از اهمیت زیادی برخوردار است. در صورتی که مال متوفی کافی برای پرداخت تمام دیون او باشد مشکلی پیش نخواهد آمد و تمامی طلبکاران متوفی به طلب و حق خود می‌رسند، اما اگر ترکه پاسخگوی تمامی دیون نباشد اصل بر این است که تمام طلبکاران به نسبت طلبی که از مدیون دارند، در ترکه سهیم می‌باشند. اصل برابری طلبکاران مطلق نبوده و استثنائاتی دارد و آن زمانی است که برخی از دیون به موجب قوانین از امتیازات خاص برخوردارند که در این صورت، موقع تقسیم باید چنین دیونی را رعایت کرده و برای آن حق تقدم قائل شد.

۲-۱- دیون و تعهدات مؤجل و غیرمؤجل متوفی

در مورد تعهدات غیرمؤجل، بحث چندانی نیست. تردیدها بیشتر در خصوص تعهدات مؤجل، بالاخص تعهدات قراردادی متوفی است. در این راستا می‌توان به ماده‌های ۵۰۵ و ۷۰۵ قانون مدنی و ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ استناد کرد. به موجب ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹: «دیون مؤجل متوفی بعد از فوت حال می‌شود». در ماده ۷۰۵ قانون مدنی و در مورد ضمان نیز آمده است: «ضمان مؤجل به فوت ضامن حال می‌شود». این امر ناشی از طبیعت عقد ضمان در قانون مدنی است. چرا که در قانون مدنی، عقد ضمان سبب نقل ذمه از متعهد به ضامن می‌شود و در نتیجه آن، متعهد اصلی «مضمون عنه» بری

و ذمه ضامن به جای او مشغول می‌شود و جای متعهد اصلی را می‌گیرد.

از طرف دیگر ماده ۴۹۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد که عقد اجاره به واسطه فوت موجر یا مستاجر باطل نمی‌شود و به حکم ماده ۵۰۵ «اقساط مال الاجاره که به علت نرسیدن موعد پرداخت آن بر ذمه مستاجر مستقر نشده است به موت او حال نمی‌شود». از آنجا که در ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ مکان تخفیف دین پیش بینی نگردیده، لذا حال شدن دیون مؤجل به موت در تعهدات ناشی از عقد که اجل به عنوان بخشی از ثمن واجد ارزش اقتصادی است منطقی به نظر نمی‌رسد. همین امر سبب شده که برخی از حقوقدانان پیشنهاد کنند که بهتر است رویه قضایی، حکم ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ را ناظر به اصل حال شدن دین مؤجل بدانند. ولی درباره آثار این تحول از قاعده مربوط به حال شدن دیون ورشکسته استفاده کند و این امر را سبب همگام شدن دو حکم دانسته و با عدالت و منع استفاده بدون جهت سازگارتر می‌داند» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۱۴۰).

در رویه قضایی، اختلاف نظریه‌ها در این خصوص ناشی از نگرش متفاوت به معنا و مفهوم دین و تعهد می‌باشد. در تفسیر ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ باید به مبانی تاریخی آن توجه کرد و چون ماده فوق از فقه اقتباس شده بدون توجه به معنای فقهی دین نمی‌توان حکم ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ را به درستی شناسایی کرد. با توجه به تفاوتی که میان مفهوم دین مورد استفاده در فقه و واژه تعهد مورد استفاده در قانون مدنی وجود دارد، حکم حال شدن دین مؤجل را نمی‌توان به تعهدات، تسری داد.

توجه به مواد فصل پنجم^۳ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ نشان می‌دهد که منظور قانون از این دیون مطالبات مالی اشخاص از متوفی بوده و در هیچ یک از مقررات قانون مذکور، به تعهدات قراردادی متوفی اشاره‌ای نشده است. به عنوان مثال ماده ۲۲۸ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «ورثه می‌توانند دیون را از ترکه یا از مال خود اداء نمایند». در اینجا قانون به پرداخت دین متوفی اشاره کرده که ناظر به مطالبات مالی اشخاص بوده، که قبلاً بر ذمه متوفی مستقر گردیده است.

تعهدات متوفی به دو قسم از یکدیگر متمایز می‌شوند. آن دسته از تعهداتی که قائم و وابسته به شخص و محدود به دوران حیات وی است مانند تعهد یک فرد متخصص به انجام کاری در حیطه تخصص وی که چنین تعهداتی با فوت شخص ساقط می‌شوند و دسته دیگر شامل تعهداتی است که قائم به شخص نبوده و محدود به دوره حیات وی نمی‌باشند. مانند تعهد خریدار جهت پرداخت ثمن.

تعهدات اخیرالذکر به ترکه متوفی تعلق می‌گیرند و ممکن است ورثه مسئول پرداخت آن شناخته شوند. همچنین در تعهدات اصل بر این است که قائم به شخص نباشند.

۲-۲- تعهدات قائم به شخص

هر تعهدی که قائم به شخص متعهد باشد با فوت او امکان اجرای آن از بین می‌رود. منظور از تعهدات قائم به شخص آن دسته از تعهداتی است که شخصیت متعهد علت عمده آن باشد و به عبارت دیگر شرط اصلی وجود چنین تعهدی، وجود متعهد است و حیات تعهد در گرو حیات متعهد است. وابستگی شخص به تعهد تنها در موردی صدق پیدا می‌کند که مورد تعهد انجام کاری باشد و این کار به گونه‌ای است که از عهده دیگری آن طور که منظور متعاملین بوده است بر نیاید.

تعهدات قائم به شخص حتی در زمان حیات متعهد نیز قابل اجرا به وسیله دیگری نیست به طریق اولی پس از فوت او نیز موضوعیت ندارد. در حالی که اگر تعهد، قائم به شخص متعهد نباشد و وی از انجام تعهد سر باز زند طلبکار می‌تواند از دادگاه بخواهد که به هزینه ملترزم موجبات انجام فعل را فراهم آورد. مثلاً اگر مقاطعه کاری تعهد کرده باشد که خانه‌ای طبق نقشه بسازد و از انجام تعهد در موعد مقرر استکفاف کند دادگاه می‌تواند حکم کند که شخص دیگری به هزینه متعهد موجبات انجام تعهد را مهیا سازد. در حالی که در مورد تعهد قائم به شخص چنین امکانی وجود ندارد، در این صورت هرگاه اجبار تعهد امکان‌پذیر نباشد متعهدله چاره‌ای جز فسخ قرارداد ندارد. در نتیجه چنین تعهداتی مستثنی از قاعده انتقال دیون و تعهدات متوفی به فوت او است و به ترکه میت تعلق نمی‌گیرد. زیرا شخصیت انسان که می‌تواند دارنده حق و تکلیف شود به سبب فوت زائل می‌شود و بدین جهت دیون و تعهداتی که قائم به شخص اوست با فوت او ساقط می‌گردد (امامی، ۱۳۸۲: ۲۱۸). در نتیجه متعهدله نمی‌تواند ایفای آن را از ورثه یا از محل ترکه متوفی درخواست کند چرا که با فوت متعهد اصولاً ایفای این گونه تعهد غیرممکن می‌گردد.

اما نکته‌ای که باید به مطلب بالا افزود، چگونگی جبران خسارت ناشی از عدم اجرای تعهدات قائم به شخص است. هرچند چنین تعهدی را نمی‌توان از ورثه یا از محل ترکه خواست، اما جبران خسارت وارده در نتیجه عدم ایفای چنین تعهداتی بحث دیگری است. هرگاه در نتیجه عدم ایفای تعهد خسارتی به متعهدله وارد شده باشد وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و جبران خسارت را مطالبه کند.

۳-۲- تعهدات غیرمالی

تعهدات غیرمالی اشخاص نیز بعد از فوت او به پایان می‌رسد و نمی‌توان آن را از محل ترکه ایفاء نمود. این گونه تعهدات به جنبه‌های اخلاقی، غیرمالی و خانوادگی اشخاص مربوط بوده و هدف از ایجاد آن‌ها دریافت مال یا انجام کاری که ارزش مالی داشته باشد نیست. این تعهدات به عبارتی تعهدات شخصی و خصوصی نیز می‌باشند که محدود به عمر متعهد بوده و با وفات او تعهد نیز از بین می‌رود. هرچند در پاره‌ای امور ضمانت اجرای این تعهدات ایجاد التزام مالی است که بر دارایی مدیون تحمیل می‌شود. به عنوان مثال، تکلیف مربوط به نگهداری اطفال به صورت پرداخت مبلغی موضوع حکم قرار می‌گیرد. چنان که ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی مقرر داشته: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف است» و در مدتی که حضانت طفل به عهده آن‌ها است، هیچ یک حق ندارند از نگهداری او امتناع کنند و در صورت امتناع یکی از ابوبین حاکم به تقاضای دیگری یا تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی العموم نگهداری طفل را به هریک از ابوبین که حضانت به عهده اوست الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد، حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند.

۳- نحوه ایفای تعهدات مورث

ایفای دیون مؤجل و تعهدات مدت دار را در زمان حیات نمی‌توان تا پیش از سر رسید از مدیون و متعهد مطالبه کرد. اما طبق قاعده‌ای که در ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ مقرر شده است «دیون مؤجل متوفی بعد از فوت حال می‌شود». به عبارت دیگر، ترکه متوفی اجتماع حقوق طلبکاران متوفی بوده و باید از اموال به جا مانده از متوفی ایفاء شود. در نتیجه هیچ شکی نیست در این که دیون میت و همچنین هر حق مالی علیه او همچنین وصیت میت به عین ترکه تعلق می‌گیرد. حتی ماده‌های ۲۲۵ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ و ۸۶۹ قانون مدنی به چنین امری تصریح دارند.

اما بحث در اینجا راجع به معرفی این حقوق و دیون نیست، بلکه چگونگی اجرا و ایفاء این موارد می‌باشد، در این خصوص اولین نکته این است که طلبکاران در مرحله اول و جهت اجرای این حقوق باید به چه کسی رجوع کنند؟

۳-۱- رجوع به وارث

برای دریافت و رسیدن هر حقی، اولین و منطقی‌ترین راه، رجوع به شخصی است که موضوع حق نزد او

است. در مورد طلبکار نیز این قاعده مستثنی نیست. اقدام از طریق مقامات عمومی همیشه به آسانی نیست و اثبات یک حق چه بسا مستوجب صرف هزینه و وقت بسیار باشد. بنابراین، طلبکار در قدم اول در پی کنار آمدن با مدیون بوده تا کار به مراجع قضایی نکشد. طلبکاران متوفی به ناچار باید به ورثه او رجوع کنند و در صورت بروز اختلاف باید علیه آن‌ها طرح دعوی کنند. به عبارت دیگر، دعاوی آن‌ها به ناچار باید با طرفیت وراث صورت گیرد.

رجوع آن‌ها به وراث و اقامه دعوی به طرفیت آن‌ها نتیجه انتقال قهری مالکیت ترکه به آن‌ها است. در حقیقت با فوت مورث، وارثان مالکان واقعی ماترک او بوده و هیچ شکی در آن نباید کرد اما مالکیت آن‌ها از همان ابتدا موصوف به وصف خاصی بوده که گویی آزادی در تصرف آن‌ها را در ترکه محدود می‌کند. وصفی که می‌تواند بقای این ملکیت را به خطر اندازد و به همین خاطر به عدم استقرار خواننده می‌شود. اما این مالکیت به هر وصفی که موصوف باشد، کافی است تا طلبکاران را مجبور کند که هر دعوایی نسبت به اعیان یا حقوق مالی داخل در ترکه دارند به طرفیت وراث اقامه کنند. بنابراین، ماده ۲۳۲ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ در بیان این امور مقرر می‌دارد: «دعوی بر میت اعم از دین یا عین باید به طرفیت ورثه و یا نماینده قانونی آن‌ها اقامه شود». حتی در مواردی هم که برای ادای دیون متوفی وصی از سوی او تعیین شده، باز هم تکلیف فوق از دوش طلبکاران برداشته نمی‌شود و اثبات دین به طرفیت وصی و وارثان ضروری است.^۴

۳-۲- پرداخت دیون در موارد مختلف

بعد از فوت متعهد دیون و تعهدات او به ترکه تعلق می‌گیرد و از آنجا که ترکه نیز به مالکیت وراث در می‌آید به طور تبعی ایشان جانشین مورث خود در ایفای این تعهدات می‌شوند. البته تعهدات جایز و همچنین تعهداتی که به شخصیت مورث بستگی دارد با فوت شخص از بین می‌رود و دیگر قابلیت اجرایی ندارد، اما در مورد سایر تعهدات اصل لزوم قراردادهای حاکم بوده و وراث متوفی که قائم مقام مورث خود می‌باشند به تبع اموالی که از متوفی به ارث می‌برند و به نسبت سهم خود از ترکه مسئول ایفای دیون می‌گردند.

بنابراین، طلبکارهای متوفی باید به طرفیت ورثه طرح دعوا کرده و مطالبه دیون خود را بکنند. در نتیجه، در صورتی که دعوا مستند به سندی عادی باشد به دادگاه مراجعه و اجرائیه به طرفیت ورثه دریافت

۴- ماده ۲۳۷ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

می‌کنند و اگر مستند دعوا سند رسمی باشد بسته به نوع سند به مرجع مربوطه مراجعه و اجرائیه صادر خواهد شد. در این صورت طلبکار طبق بند دوم ماده دوم آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا در درخواست نامه‌ای که طبق فرم مخصوص تنظیم می‌شود نام و مشخصات ورثه متعهد و هرگاه بین ورثه محجور یا غایب وجود داشته باشد نام و مشخصات نماینده قانونی محجور یا غایب را قید می‌کند و به مرجع صدور اجرائیه که ممکن است اداره ثبت، دفترخانه اسناد رسمی یا دفتر ازدواج باشد، تسلیم نماید. اما تا زمانی که ترکه در اختیار وراث نباشد آن‌ها هیچ مسئولیتی نسبت به پرداخت دیون مورث ندارند، منتها عدم تصرف وراث نسبت به ترکه رافع مسئولیت طلبکاران در اقامه دعوی به طرفیت آن‌ها نبوده و آنان همچنان باید برای اثبات دین به طرفیت ورثه اقامه دعوی کنند.^۵

حتی در زمانی که ترکه به مقدار کافی برای اداء دیون در ید وراث نباشد طلبکار می‌تواند بر کسی که او را مدیون متوفی می‌داند یا مدعی است که مالی از ترکه متوفی در ید او است اقامه دعوی کند.^۶ منتها در صورتی که طلب از میت مورد اختلاف باشد و محرز نباشد، پیش از اقامه دعوی بر متصرف یا مدیون، باید برای اثبات دین به طرفیت ورثه اقامه دعوی کند.^۷ این خود ناشی از مالکیت ورثه و قائم مقامی آن‌ها از مورث است. ورثه ملزم نیستند که از ترکه ایفای دیون مورث را بکنند بلکه می‌توانند ترکه را نگه داشته و از اموال اختصاصی خود به ایفای دیون بپردازند و در این میان طلبکاران میت نیز می‌توانند آن‌ها را اجبار به ایفای دین از ترکه کنند.^۸ همچنان که ملزم نیستند غیر از ترکه چیزی به بستانکارها بپردازند.^۹

حتی در صورتی که جهت ایفای دین مالی در رهن باشد ورثه مختار خواهد بود که یا با پرداخت دیون متوفی آن را فک کنند و یا مال را در ازاء دین مورث به مرتهن بدهند. در موردی هم که موضوع تعهد، انجام کاری مثل تعمیر بنا، قنات، تکمیل ساختمان یا بنای جدید، یا غرس اشجار و امثال آن باشد^{۱۰} و اجرائیه به طرفیت ورثه صادر شده باشد وراث ملزم هستند که هزینه لازم برای انجام آن را از ترکه تأمین کنند، در غیر

۵- ماده ۲۳۲ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

۶- ماده ۲۳۵ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

۷- ماده ۲۳۶ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

۸- ماده ۲۲۸ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

۹- ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

۱۰- البته در صورتی که شخصیت متعهد علت عمده عقد نباشد

این صورت کلیه هزینه‌ها حتی کارشناسی از طریق اجرای ثبت یا دادگاه از ترکه برداشت می‌شود.^{۱۱} به طور کلی در مورد دیون و تعهدات حال مورث، بحث خاصی وجود ندارد، جز این که اجرائیه چه در مورد اسناد رسمی و چه در مورد اسناد عادی، بر علیه ورثه صادر می‌شود و همچنین مسئولیت پرداخت به میزان ترکه و منوط به قبول آن می‌باشد. لازم به ذکر است در رابطه با دیون و تعهدات موجد، به طور کلی و به عنوان یک قاعده باید پذیرفت که دیون مورث بعد از فوت او به دین حال تبدیل می‌شود مانند دیون غیر مؤجل باید اجرا شود.

۴- نحوه اجرای تعهدات متوفی در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، مسئله تعهدات مالی و قراردادی متوفی در چهارچوب قواعد خاصی تحت عنوان «حقوق وراثت» مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تعهدات شامل تعهدات قراردادی^{۱۲} و غیرقراردادی^{۱۳} هستند که پس از فوت فرد همچنان معتبر باقی می‌مانند. حقوق فرانسه اصول روشنی در خصوص چگونگی انتقال یا خاتمه این تعهدات دارد که در قوانین وراثت و مسئولیت مدنی آن کشور بیان شده است.

بر اساس ماده ۱۲۱-۲ از قانون مدنی فرانسه، قراردادهای متوفی به طور کلی با مرگ فرد به پایان نمی‌رسند، مگر آن که به دلیل ماهیت قرارداد یا در صورت توافق طرفین دیگر، خاتمه یابند. قراردادهایی مانند اجاره‌نامه‌ها، قراردادهای کاری و بدهی‌ها از این جمله هستند. در این موارد، وراثت موظف به ادامه اجرای تعهدات قراردادی به شرط داشتن تمکن مالی و یا توافق با طرف قرارداد هستند. در صورتی که متوفی مرتکب عملی شود که موجب زیان به دیگران شده باشد، این تعهدات به طور کلی به وراثت منتقل می‌شوند. در حقوق فرانسه، مسئولیت‌های مدنی شامل تعهدات ناشی از فعل زیان‌بار مانند تصادفات رانندگی، سوانح کاری و سایر اقدامات مشابه است. مطابق با ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی فرانسه، وراثت باید زیان‌های ناشی از این اقدامات را جبران کنند، مگر آن که وراثت ثابت کنند که مسئولیت‌های غیرقراردادی قابل انتقال نیست (Dupont, 2022, 67). مرگ فرد، تعهدات مالی او را به طور کلی به وراثت منتقل می‌کند. این انتقال به موجب ماده ۷۳۷ قانون مدنی فرانسه انجام می‌شود. وراثت باید بدهی‌های متوفی را از طریق دارایی‌های باقیمانده تسویه کنند. اگر دارایی‌ها کافی نباشند، وراثت ممکن است از مسئولیت‌های مالی

۱۱- ماده ۳۴ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا

۱۲- مانند قراردادهای تجاری و غیرتجاری

۱۳- مانند مسئولیت‌های ناشی از فعل زیان‌بار

معاف شوند. اما در صورت کافی بودن دارایی‌ها، مسئولیت‌های مالی همچنان باقی می‌مانند.

وراث در حقوق فرانسه می‌توانند مسئولیت‌های مالی متوفی را پذیرفته یا رد کنند. در صورتی که وراث از پذیرفتن وراثت منصرف شوند، مسئولیت‌های مالی متوفی به اموال باقیمانده از وی منتقل نمی‌شود. این مسئله تحت بندهای مختلف ماده ۷۳۷ قانون مدنی فرانسه بررسی می‌شود که حقوق وراثت در قبال مسئولیت‌های مالی را روشن می‌کند.

وراث در زمان مرگ فرد می‌توانند با پذیرش یا رد وراثت، تصمیم بگیرند که آیا مسئولیت‌های مالی متوفی را می‌پذیرند یا خیر. این موضوع در ماده ۷۳۹ قانون مدنی فرانسه بیان شده است که وراث باید در مدت معین^{۱۴} تصمیم خود را در این خصوص اتخاذ کنند. در صورت وجود تعهدات قراردادی خاص، وراث ممکن است موظف به ادامه قراردادهایی باشند که متوفی بر عهده داشته است. به‌عنوان مثال، در صورتی که فرد قرارداد اجاره‌داری داشته باشد، وراث به‌عنوان جانشین متوفی موظف به پرداخت اجاره‌بها و سایر هزینه‌های مربوط به قرارداد می‌باشند، مگر این که قرارداد به طور صریح فسخ شده باشد.

وراث باید بدهی‌های مالی متوفی را از اموال باقیمانده پرداخت کنند. این بدهی‌ها ممکن است شامل بدهی‌های شخصی و بدهی‌های تجاری باشد. اگر بدهی‌ها بیشتر از دارایی‌های متوفی باشد، وراث می‌توانند از مسئولیت پرداخت بدهی‌ها خودداری کنند. این مسئله تحت اصول حقوقی مختلف در کد مدنی فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صورتی که متوفی دارای بیمه عمر یا بیمه دیگری باشد که مستلزم پرداخت مبلغی به ذینفع باشد، این تعهدات به ذینفع یا وراث منتقل می‌شود. همچنین، اگر متوفی بیمه‌ای برای پوشش مسئولیت‌های مالی خود داشته باشد، ممکن است وراث بتوانند از این بیمه‌ها برای تسویه بدهی‌ها استفاده کنند.

به طور کلی، حقوق فرانسه تعهدات مالی، قراردادی و غیرقراردادی متوفی را تحت نظارت قوانین وراثت قرار داده است. وراث ممکن است در مواجهه با این تعهدات در موقعیت‌های مختلفی قرار گیرند که بستگی به شرایط قراردادهای و نوع بدهی‌ها دارد. قوانین وراثت و مسئولیت مدنی در فرانسه به وضوح تکلیف وراث را در قبال این تعهدات روشن کرده و آن‌ها را ملزم به انجام مسئولیت‌های مالی در صورت قبول وراثت می‌کند (Marie, 2020, 135).

۴-۱- انتقال تعهدات متوفی به وراث

در صورتی که متوفی دارای تعهدات قراردادی باشد، این تعهدات معمولاً به وراث منتقل می‌شود. طبق ماده ۱۲۱-۲ قانون مدنی فرانسه، تعهدات قراردادی به موجب وراثت به وراث انتقال می‌یابند مگر آن که قرارداد به گونه‌ای باشد که ذاتاً با مرگ فرد پایان یابد. این موضوع به ویژه در مورد قراردادهای اجاره، قراردادهای خدماتی و حتی قراردادهای تجاری صدق می‌کند. در این موارد، وراث باید تعهدات قراردادی را ادامه دهند یا برای فسخ قرارداد با طرف مقابل وارد مذاکره شوند. تعهدات مالی متوفی، شامل بدهی‌ها، هزینه‌ها و مطالبات مالی او، به طور معمول به وراث منتقل می‌شود. طبق ماده ۷۳۷ قانون مدنی فرانسه، وراث باید بدهی‌های متوفی را از اموال وی پرداخت کنند. در صورتی که اموال متوفی برای تسویه بدهی‌ها کافی نباشد، وراث باید تصمیم بگیرند که آیا وراثت را قبول کنند یا از آن انصراف دهند. اگر وراث از وراثت انصراف دهند، مسئولیت‌ها به اموال متوفی منتقل نمی‌شود (Jacques, 2020, 104).

وراث در حقوق فرانسه این اختیار را دارند که وراثت را بپذیرند یا رد کنند. در صورتی که وراث وراثت را بپذیرند، تمام تعهدات مالی و قراردادی متوفی به آن‌ها منتقل می‌شود. این تصمیم باید در مدت معین^{۱۵} اتخاذ شود و وراث باید از وضعیت مالی متوفی و بدهی‌های او آگاه شوند. در صورتی که وراث وراثت را رد کنند، از مسئولیت‌های مالی متوفی معاف خواهند بود. مسئولیت‌های ناشی از اعمال غیرقانونی متوفی، مانند تصادفات رانندگی یا سوانح کاری، نیز به وراث منتقل می‌شود.

طبق ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی فرانسه، وراث باید مسئولیت‌های مدنی متوفی را جبران کنند، مگر آن که ثابت شود این مسئولیت‌ها قابل انتقال نیست. به عنوان مثال، اگر متوفی به دلیل ارتکاب جرم مسئولیتی بر عهده داشت، وراث معمولاً از پذیرش این مسئولیت معاف خواهند بود. در مورد قراردادهای خاص مانند قراردادهای کاری، وراث ممکن است موظف به ادامه انجام تعهدات متوفی باشند. برای مثال، اگر فردی قراردادی برای انجام یک پروژه طولانی‌مدت امضاء کرده باشد، وراث می‌تواند ادامه کار را بر عهده بگیرند. این موضوع بستگی به شرایط قرارداد و توافق طرفین دارد. در صورت نبود شرایط خاص در قرارداد، وراث می‌تواند از ادامه آن انصراف دهند (Claire, 2021, 130).

اگر متوفی دارای قراردادهایی باشد که اجرای آن‌ها مستلزم حضور شخص او است، مانند قراردادهای نمایندگی یا قراردادهایی که به مهارت‌ها یا تخصص خاصی وابسته‌اند، این قراردادها معمولاً با مرگ او

خاتمه می‌یابند. طبق ماده ۱۲۱-۲ قانون مدنی فرانسه، چنین قراردادهایی به صورت اتوماتیک با مرگ فرد منحل می‌شود، مگر آن که قرارداد به گونه‌ای طراحی شده باشد که وراث را ملزم به ادامه اجرای آن کند. وراث پس از قبول وراثت، به نسبت سهم خود از دارایی‌های متوفی مسئول بدهی‌ها و تعهدات مالی وی خواهند بود. این مسئله طبق ماده ۷۳۷ قانون مدنی فرانسه بیان شده است. وراث در صورتی که از وراثت انصراف ندهند، باید بدهی‌ها و تعهدات مالی را تا حدود موجودی اموال متوفی پرداخت کنند. به طور کلی، وراث نمی‌توانند بیش از دارایی‌هایی که به ارث برده‌اند مسئولیت بپذیرند. اگر متوفی دارای بیمه‌هایی باشد که تعهدات مالی را در قبال طرفین ثالث پوشش می‌دهند، وراث می‌توانند از این بیمه‌ها برای پرداخت بدهی‌ها یا جبران خسارات استفاده کنند. این بیمه‌ها می‌توانند شامل بیمه‌های عمر یا بیمه‌های مسئولیت مدنی باشند. وراث در چنین شرایطی باید از شرایط قرارداد بیمه آگاه شده و از آن برای کاهش مسئولیت‌های مالی خود بهره‌برداری کنند (Pierre, 2022, 72).

۲-۴- قبول قهری وراث

طبق ماده ۷۳۷ قانون مدنی فرانسه، وراث از زمان فوت متوفی به طور خودکار وراثت را می‌پذیرند، مگر آن که تصمیم به رد وراثت بگیرند. این پذیرش وراثت به طور قهری انجام می‌شود، به ویژه اگر وراث از مدتی که برای تصمیم‌گیری در مورد پذیرش یا رد وراثت تعیین شده^{۱۶} عبور کنند. در این حالت، وراث مسئول تمامی تعهدات مالی و بدهی‌های متوفی خواهند بود و نمی‌توانند از مسئولیت خود سرپیچی کنند. قبول قهری وراثت به طور خودکار وراث را در برابر بدهی‌های متوفی مسئول می‌سازد. این مسئولیت شامل تمام بدهی‌های مالی متوفی مانند وام‌ها، بدهی‌های مالیاتی، هزینه‌های دادرسی و سایر تعهدات قراردادی است. وراث پس از پذیرش وراثت، باید تمامی این بدهی‌ها را به تناسب سهم خود از دارایی‌های متوفی پرداخت کنند. این امر به ویژه زمانی که بدهی‌ها از دارایی‌های موجود بیشتر باشند، می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. در حقوق فرانسه، وراث این امکان را دارند که وراثت را رد کنند (Baptiste Lefevre, 2021, 103). رد وراثت به این معنا است که وراث هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال بدهی‌های متوفی نخواهند داشت. برای رد وراثت، وراث باید در مدت زمان مشخصی^{۱۷} اقدام کنند. اگر وراث تصمیم به رد وراثت بگیرند،

۱۶- معمولاً چهار ماه

۱۷- معمولاً چهار ماه پس از فوت متوفی

مسئولیت‌های مالی و بدهی‌های متوفی به آن‌ها منتقل نمی‌شود و از این رو هیچ‌گونه تعهدی در قبال بدهی‌ها نخواهند داشت. وراثت در قبال بدهی‌های متوفی مسئولیت دارند، اما این مسئولیت محدود به میزان دارایی‌های به‌دست آمده از وراثت است.

طبق ماده ۷۳۷ قانون مدنی فرانسه، وراثت فقط به اندازه دارایی‌هایی که از متوفی به ارث می‌برند، مسئول پرداخت بدهی‌های او خواهند بود. این بدین معنا است که اگر دارایی‌های متوفی برای پرداخت بدهی‌ها کافی نباشد، وراثت مسئولیتی بیشتر از آنچه که از دارایی‌های به دست آمده خود به دست آورده‌اند، نخواهند داشت (Claire Martin, 2022, 92). طبق قانون، وراثت باید ظرف مدت چهار ماه از تاریخ فوت متوفی تصمیم بگیرند که وراثت را بپذیرند یا آن را رد کنند. اگر وراثت در این مدت تصمیم نگیرند، پذیرش وراثت به‌طور خودکار فرض خواهد شد. این زمان‌بندی به وراثت فرصت می‌دهد تا وضعیت مالی متوفی را بررسی کرده و تصمیمی آگاهانه اتخاذ کنند.

در صورتی که متوفی مسئولیت‌های غیرقراردادی نیز داشته باشد، مانند جبران خسارات ناشی از تصادفات یا مسئولیت‌های مدنی، این مسئولیت‌ها نیز به وراثت منتقل می‌شود. وراثت به‌طور خودکار مسئول پرداخت این نوع از بدهی‌ها خواهند بود، مگر آن که وراثت وراثت را رد کنند. این موضوع نشان می‌دهد که پذیرش وراثت می‌تواند وراثت را در معرض مسئولیت‌های زیادی قرار دهد که اغلب آن‌ها خارج از کنترل وراثت است. مرگ متوفی معمولاً موجب انحلال بسیاری از قراردادهای او می‌شود، به‌ویژه اگر قرارداد به‌گونه‌ای باشد که اجرای آن تنها به حضور متوفی وابسته باشد. اما در برخی از قراردادها مانند قراردادهای اجاره، قراردادهای تجاری یا حتی بدهی‌های بانکی، وراثت ممکن است مجبور به ادامه انجام تعهدات شوند. در چنین مواردی، وراثت موظف به پرداخت بدهی‌ها و ادامه انجام تعهدات قراردادی خواهند بود، مگر آن که بتوانند این قراردادها را فسخ کنند یا تغییر دهند.

در صورتی که بدهی‌های متوفی بیشتر از دارایی‌های موجود باشد، وراثت ممکن است با چالش‌های جدی مواجه شوند. در این شرایط، وراثت می‌تواند درخواست تصفیه وراثت به‌صورت محدود یا «وراثت در محدودیت» را داشته باشند. در این صورت، وراثت تنها به اندازه دارایی‌هایی که از متوفی به‌دست آورده‌اند، مسئول خواهند بود و نمی‌توانند از اموال شخصی خود برای تسویه بدهی‌ها استفاده کنند (François, 2020, 118).

۳-۴- وراثت با شرط تسویه بدهی‌ها

طبق ماده ۷۴۰-۱ قانون مدنی فرانسه، وراثت می‌تواند وراثت را با شرط تسویه بدهی‌های متوفی بپذیرند. این پذیرش به‌طور معمول زمانی صورت می‌گیرد که وراثت از وضعیت مالی متوفی آگاه هستند و می‌خواهند تنها در صورتی مسئولیت بدهی‌ها را بپذیرند که از منابع موجود برای تسویه بدهی‌ها استفاده شود. در این شرایط، وراثت می‌تواند از درخواست تسویه بدهی‌ها قبل از پذیرش نهایی وراثت استفاده کنند تا از مسئولیت‌های مالی اضافی جلوگیری کنند.

شرط تسویه بدهی‌ها به این معنا است که وراثت تنها در صورتی مسئولیت وراثت را می‌پذیرند که ابتدا تمامی بدهی‌های متوفی از دارایی‌های او تسویه شوند. به عبارت دیگر، این نوع پذیرش وراثت به‌طور خاص به‌منظور جلوگیری از انتقال بدهی‌های سنگین به وراثت صورت می‌گیرد. وراثت در اینجا تمایل دارند که پیش از پذیرش کامل وراثت، اطمینان حاصل کنند که هیچ بدهی ناتمامی از متوفی به‌جا نمانده باشد (Baptiste Lefevre, 2021, 130). در این حالت، وراثت به‌طور خودکار مسئول بدهی‌های متوفی می‌شوند.

در مقابل، پذیرش وراثت با شرط تسویه بدهی‌ها به وراثت این امکان را می‌دهد که با تعیین شرایط خاص، مسئولیت‌های مالی متوفی را به‌طور محدودتر و با کنترل بیشتری بپذیرند. وراثت که تصمیم به پذیرش وراثت به‌طور مشروط می‌گیرند، حق دارند که وضعیت مالی متوفی را به‌طور کامل بررسی کنند. این بررسی شامل ارزیابی اموال و بدهی‌های متوفی است. وراثت می‌تواند از دادگاه درخواست کنند که بدهی‌ها از اموال متوفی پرداخت شوند و تا زمانی که از تسویه کامل بدهی‌ها اطمینان حاصل نکرده‌اند، از پذیرش نهایی وراثت خودداری کنند.

یکی از مزایای پذیرش وراثت با شرط تسویه بدهی‌ها، محافظت از وراثت در برابر بدهی‌های بیشتر از دارایی‌های موجود است. این امر به‌ویژه در شرایطی مفید است که وراثت نگران از دست دادن دارایی‌های خود به دلیل بدهی‌های سنگین متوفی باشند. همچنین، این فرآیند به وراثت این امکان را می‌دهد که از تسویه بدهی‌ها اطمینان حاصل کنند پیش از این که مسئولیت کامل وراثت را بپذیرند. با این که پذیرش وراثت با شرط تسویه بدهی‌ها مزایای زیادی دارد، اما ممکن است با چالش‌هایی نیز همراه باشد.

این فرآیند می‌تواند زمان‌بر و پیچیده باشد، به‌ویژه زمانی که تعداد زیادی طلبکار یا بدهی‌های پیچیده وجود داشته باشد. همچنین، ممکن است این روند نیازمند مشارکت دادگاه یا مقامات دیگر برای تأسیس شرایط تسویه باشد، که می‌تواند مشکلات اجرایی ایجاد کند (Dupont, 2020, 75).

۵- تحلیل ماده ۷۲۴ قانون مدنی فرانسه

ماده ۷۲۴ قانون مدنی فرانسه بیان می‌کند که وراثت به طور کلی از لحاظ قانونی مسئولیت تمامی بدهی‌های متوفی را بر عهده دارند. این ماده به‌ویژه تأکید می‌کند که «وراثت در قبال اموال و بدهی‌های متوفی به اندازه سهم خود از وراثت مسئولیت دارند». بنابراین، وراثت نه تنها از دارایی‌های متوفی بهره‌مند می‌شوند، بلکه در برابر بدهی‌های وی نیز مسئول خواهند بود. این مسئولیت به طور خودکار و بدون نیاز به توافق خاص منتقل می‌شود. ماده ۷۲۴ قانون مدنی فرانسه به طور صریح بیان می‌کند که تعهدات مالی و بدهی‌های متوفی پس از مرگ، به وراثت منتقل می‌شود. این انتقال خودکار بدان معنا است که وراثت پس از پذیرش وراثت، به‌طور ناخودآگاه مسئول بدهی‌های متوفی خواهند بود (Bernard, 2021, 120).

این تعهدات می‌توانند شامل بدهی‌های شخصی مانند وام‌ها، بدهی‌های مالیاتی، هزینه‌های دادرسی و حتی تعهدات قراردادی باشند. در حالی که انتقال تعهدات به وراثت در حقوق فرانسه به طور خودکار صورت می‌گیرد، وراثت نیز حق دارند که تصمیم بگیرند آیا این مسئولیت‌ها را می‌پذیرند یا خیر؟

طبق قانون مدنی فرانسه، وراثت می‌توانند در مدت معین^{۱۸} وراثت را بپذیرند یا رد کنند. اگر وراثت وراثت را بپذیرند، مسئولیت‌های مالی متوفی از جمله تعهدات مالی و بدهی‌ها به آن‌ها منتقل می‌شود. ماده ۷۲۴ قانون مدنی فرانسه همچنین اشاره به امکان رد وراثت توسط وراثت دارد. اگر وراثت تصمیم به رد وراثت بگیرند، هیچ‌گونه مسئولیتی نسبت به بدهی‌های متوفی نخواهند داشت. این امر به‌ویژه در صورتی مهم است که بدهی‌های متوفی بیشتر از دارایی‌های باقیمانده باشد و وراثت تمایلی به پذیرش مسئولیت‌های مالی نداشته باشند. رد وراثت باید به‌صورت کتبی و در زمان مشخصی صورت گیرد.

یکی از اصول مهم دیگر که در ماده ۷۲۴ قانون مدنی فرانسه بیان شده، این است که وراثت مسئولیت‌های مالی متوفی را تنها به‌اندازه سهم خود از ارث قبول می‌کنند. به عبارت دیگر، وراثت تنها به اندازه ارزش دارایی‌هایی که به ارث برده‌اند مسئول بدهی‌های متوفی خواهند بود و هیچ‌گاه نمی‌توانند مسئولیتی بیشتر از دارایی‌های به دست آمده از وراثت را بپذیرند. این مسئله مانع از آن می‌شود که وراثت مسئولیت‌های مالی بیشتر از ارزش دارایی‌های متوفی را متحمل شوند (Claire Morel, 2022, 68).

بر اساس اصول کلی حقوق فرانسه، مرگ فرد به طور خودکار موجب خاتمه تمامی قراردادهای وی نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد، این قراردادها به وراثت منتقل می‌شود. این امر به ویژه در مورد قراردادهایی مانند اجاره‌نامه‌ها، قراردادهای کاری و بدهی‌های تجاری صدق می‌کند. وراثت باید در صورت انتقال تعهدات قراردادی، شرایط قراردادها را بررسی کرده و در صورت لزوم آن‌ها را ادامه دهند یا مذاکره کنند تا قراردادها را فسخ کنند. مسئولیت‌های غیرقراردادی که ناشی از اعمال زیان‌بار یا غیرقانونی متوفی هستند، نیز به وراثت منتقل می‌شود. این مسئولیت‌ها می‌توانند شامل خسارت‌های ناشی از تصادفات رانندگی، اشتباهات پزشکی یا سایر اعمال زیان‌بار باشند.

طبق اصول مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه، وراثت موظف به جبران زیان‌های وارد شده به دیگران در صورت پذیرش وراثت خواهند بود. اگر دارایی‌های متوفی برای تسویه تمامی بدهی‌ها کافی نباشد، وراثت می‌تواند از مسئولیت بیشتر از دارایی‌های به دست آمده خود معاف شوند.

۶- وصایای متوفی در حقوق فرانسه

در سیستم حقوقی فرانسه، وصیت‌نامه ابزاری است که به فرد اجازه می‌دهد تا پس از مرگ خود، نحوه توزیع اموالش را میان وراثت و دیگر ذینفعان مشخص کند. علاوه بر این، وصیت‌نامه می‌تواند به تأسیس مسئولیت‌هایی مانند پرداخت دیون و تعیین فردی به عنوان وصی که وظیفه اجرای وصیت‌نامه را دارد، پرداخته و نقش مهمی در فرآیند تصفیه دارایی‌ها ایفا کند. در این چهارچوب، وصی موظف به پرداخت بدهی‌های متوفی از دارایی‌های او است (Jean, 2020, 118).

وصی فردی است که به وسیله متوفی از طریق وصیت‌نامه منصوب می‌شود تا پس از مرگ او، اموالش را به طور صحیح و طبق خواسته‌های متوفی مدیریت و توزیع کند. یکی از وظایف اساسی وصی، پرداخت دیون و تعهدات مالی متوفی از دارایی‌های باقیمانده است. طبق ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی فرانسه، وصی مسئول است که بدهی‌های متوفی را از اموال او تسویه کند، پیش از این که اموال به وراثت منتقل شود. وصی مسئول پرداخت دیون متوفی است که می‌تواند شامل بدهی‌های مختلف از جمله وام‌ها، هزینه‌های پزشکی، هزینه‌های دفن و مالیات‌ها باشد. وصی موظف است ابتدا تمامی بدهی‌های متوفی را پرداخت کرده و سپس پس از تسویه بدهی‌ها، باقیمانده اموال متوفی را میان وراثت تقسیم کند.

مطابق ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی فرانسه، پرداخت بدهی‌های متوفی باید پیش از تقسیم ارث به وراث انجام شود. این ترتیب باعث می‌شود که وراث تنها از اموالی که پس از تسویه بدهی‌ها باقی می‌ماند، بهره‌مند شوند. برای اجرای وصیت‌نامه و پرداخت بدهی‌ها، وصی باید از چند مرحله قانونی عبور کند. ابتدا، او باید فهرستی از تمامی دارایی‌ها و بدهی‌های متوفی تهیه کند و سپس بدهی‌ها را از این دارایی‌ها پرداخت کند. در صورتی که بدهی‌ها بیشتر از دارایی‌های موجود باشند، وصی باید از وراث کمک بگیرد تا فرآیند تسویه به‌درستی انجام شود. همچنین، در صورتی که وراث بخواهند، می‌توانند درخواست کمک از دادگاه برای اجرای درست وصیت‌نامه داشته باشند. در مواردی که میان وصی و وراث اختلافی در خصوص پرداخت بدهی‌ها وجود داشته باشد، دادگاه می‌تواند به این مسائل رسیدگی کند (Claire Martin, 2021, 62).

طبق ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی فرانسه، در صورتی که وصی به طور صحیح وظایف خود را در پرداخت دیون انجام ندهد یا اشتباهی در پرداخت بدهی‌ها بوجود آید، دادگاه می‌تواند او را تحت تعقیب قرار دهد. این امکان برای وراث و دیگر ذینفعان وجود دارد که از طریق دادگاه نسبت به اجرای وصیت و تسویه بدهی‌ها درخواست اقدام کنند.

در حقوق فرانسه، برخی از بدهی‌ها ممکن است نسبت به سایر بدهی‌ها اولویت داشته باشند. برای مثال، بدهی‌های مربوط به هزینه‌های تدفین، هزینه‌های پزشکی و مالیات‌ها ممکن است اولویت بیشتری نسبت به سایر بدهی‌ها مانند وام‌ها و تعهدات قراردادی داشته باشند. وصی باید با توجه به این اولویت‌ها، بدهی‌ها را پرداخت کند تا اطمینان حاصل شود که بدهی‌های ضروری پیش از سایر بدهی‌ها پرداخت می‌شوند. در برخی موارد، بدهی‌های متوفی ممکن است به طور کامل مشخص نباشد. در این مواقع، وصی موظف است از تمامی منابع ممکن برای شناسایی و پرداخت بدهی‌ها استفاده کند. این وظیفه می‌تواند شامل جست‌وجو در سوابق مالی متوفی، مصاحبه با اشخاص و مؤسسات و بررسی حساب‌های بانکی باشد. وصی باید اطمینان حاصل کند که تمامی بدهی‌ها شناسایی و پرداخت شوند تا هیچ‌گونه مسئولیت مالی ناتمامی باقی نماند (Michel, 2022, 149).

نتیجه

در حقوق ایران عدالت ایجاب می‌کند که وراث تعهدات مؤجل مورث را با رعایت همان اجل به موقع

اجرا گذارند هرچند که آنان این اختیار را دارند که از حق خود صرف نظر نمایند و پیش از رسیدن موعد به مقام ایفای تعهد برآیند. قائم مقامی وراث در قراردادهای انتقال یافته به آنان نیز اقتضاء دارد تا در همان موضع و جایگاهی قرار گیرند که مورث آنان قرار داشته و ادامه دهنده همان راهی باشند که مورث آنان بخشی از آن را پیموده است. در این راستا، مسئولیت ورثه نسبت به دیون مورث، به رغم قبول ترکه، محدود به ارزش ترکه است و در صورتی که ترکه برای ادای دیون کافی نباشد، وارثی که ترکه را قبول کرده، با اثبات عدم کفایت ترکه به دیون، تکلیفی نسبت به ادای دین مازاد بر میزان ترکه نخواهد داشت. همچنین ورثه با قبول ترکه به طور ضمنی، متعهد به ادای دیون متوفی از محل ترکه می شوند؛ اما در صورتی که ورثه ترکه را رد کنند، امر تصفیه ترکه با دادگاه خواهد بود.

قانونگذار فرانسه نیز برای حفاظت از حقوق وراث و سایر ذینفعان در فرآیند اجرای تعهدات متوفی، مقررات خاصی را در نظر گرفته است. این مقررات از جمله تعیین روش های اطلاع رسانی به وراث، زمانبندی پرداخت بدهی ها و مسئولیت های مالی و همچنین چگونگی رسیدگی به اختلافات احتمالی میان وراث می باشند. علاوه بر این، در صورتی که متوفی وصیت نامه ای داشته باشد، باید این وصیت نامه بررسی شده و مطابق با آن عمل شود. یکی از مسائل مهم در این زمینه، نحوه ارزیابی دارایی های متوفی و بدهی های او است. در حقوق فرانسه، یک کارشناس مالی می تواند برای انجام ارزیابی دارایی ها و بدهی های متوفی تعیین شود. این ارزیابی به منظور اطمینان از شفافیت مالی و تعیین دقیق میزان بدهی ها و دارایی ها ضروری است. در مورد وصیت نامه های متوفی، قانون فرانسه تصریح کرده است که هرگونه وصیت نامه رسمی باید بر اساس مقررات خاص مورد بررسی قرار گیرد. این وصیت نامه ها ممکن است حاوی دستورات خاصی برای تقسیم دارایی ها یا ادامه اجرای برخی تعهدات مالی باشند که باید به دقت و مطابق با خواسته های متوفی اجرا شود.

یکی از چالش های بزرگ در اجرای تعهدات متوفی، امکان بروز اختلافات میان وراث است. در این گونه موارد، دادگاه ها وارد عمل شده و ممکن است برای حل و فصل اختلافات و تعیین حدود مسئولیت های هریک از وراث، تصمیماتی اتخاذ کنند. این اختلافات می تواند در زمینه تقسیم دارایی ها یا پرداخت بدهی ها رخ دهد و برای جلوگیری از بروز مشکلات بیشتر، نیاز به نظارت قانونی وجود دارد.

یکی از جنبه‌های پیچیده در این فرآیند، ادامه قراردادهای متوفی است. برخی از قراردادهای متوفی، مانند اجاره‌ها یا بیمه‌ها، ممکن است پس از فوت وی همچنان معتبر باقی بمانند و نیاز به تصمیم‌گیری از سوی وراث داشته باشند. ادامه یا فسخ این قراردادها می‌تواند تأثیر زیادی بر وضعیت مالی وراث و مدیریت دارایی‌های متوفی داشته باشد. در مجموع، اجرای تعهدات متوفی در حقوق فرانسه فرآیندی حساس و پیچیده است که نیاز به دقت در ارزیابی دارایی‌ها، تعیین مسئولیت‌ها و رعایت حقوق وراث دارد. این فرآیند باید تحت نظارت دقیق مقامات قانونی انجام شود تا از بروز مشکلات حقوقی جلوگیری گردد و حقوق تمامی طرف‌ها حفظ شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- امامی، سیدحسن، ۱۳۸۲، **حقوق مدنی**، جلد سوم، تهران، انتشارات اسلامیه،
- صفایی، سیدحسین، ۱۳۸۶، **دوره مقدماتی حقوق مدنی**، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات میزان.
- عدل، مصطفی، ۱۳۸۵، **حقوق مدنی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات طه،
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۲، **نظریه عمومی تعهدات**، تهران، انتشارات میزان.

لاتین

- Baptiste Lefevre, Jean, 2021, La responsabilité des héritiers en cas de dettes successorales: Analyse du droit français, *Revue Juridique de Droit Privé*.
- Claire, Martin, 2022, La gestion des dettes successorales et la responsabilité des héritiers, *Journal of French Civil Law*.
- Claire, Morel, 2022, Les principes fondamentaux de la transmission des obligations en droit français, *Journal of French Civil Law*.

- Dupont, Jean, 2022, Les effets des dettes du défunt et des obligations successorales en droit français, *Revue de Droit Civil*.
- François, Dupuis, 2020, L'acceptation de la succession et les dettes du défunt: Conséquences et mécanismes, *French Law Review*.
- Jacques, Martin, 2020, Les effets de la transmission des dettes et obligations successorales en droit français, *Revue Juridique de Droit Privé*.
- Jean, Lefevre, 2020, L'exécution des testaments et la responsabilité des exécuteurs testamentaires en droit français, *Revue Juridique de Droit Privé*.
- Jean-Baptiste, Lefevre, 2021, Le droit des héritiers face aux dettes successorales: Acceptation de la succession sous condition, *Revue Juridique de Droit Privé*.
- Marie Lefevre, 2020, La responsabilité successorale en droit français, *Journal of French Legal Studies*,
- Michel Dupont, 2022, Les rôles du testamentaire dans le cadre de la liquidation des successions, *Journal of French Civil Law*.
- Pierre Lefevre, 2022, Les mécanismes de transmission des obligations en droit civil français, *Revue de Droit Européen*.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.22- Winter 2025

Analysis of Fundamental Principles Governing Demand Guarantees in International Trade Law with a Look at New Trade Bill

Homayoun Mafi, Mehdi Fallah Khariki

Dual Nationality in Iran and England

Reza Hossein Gandomkar, Hesamodin Torkaman, Shahrooz Darbandi

The Conditions for the Payment of Alimony and the Legal and Criminal Guarantees for Non-Payment of Alimony in France and Turkey

Arash Kamranlou, Sobhan Tayebi

Government Civil Liability due to the Delay of Proceedings

Abolfath Khaleghi, Fatemeh Khodabandeh

Legal Analysis of the Cooling Off Period Clause in Foreign Investment Treaties

Mojtaba Asgharian, Mohadeseh Ahmadabadi, Mohammadreza Afshari

The Role of the Judiciary in Linking Judicial Security and Economic Security

Mahmoud Habibi Tabar, Amir Esmaeili

The Principle of Non-Cut Off; The Fundamental Principle in the Delimitation of Maritime Zones

Mohsen Behjati

An Essay on Contemporary Utilitarianism Justifications of Punishment; from General Deterrence to General Prevention

Mohammad Mehdi Sadeghi

Enforcement of the Deceased's Obligations in Iranian and French Law

Younes Bagheri

Women's Free Will Regarding Marriage and Divorce in Ancient Iranian Law

Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi

A Critical Examination of the Additional Jurisdiction of Special Criminal Courts in the Face of Criminal Cooperation

Sayyed Mohammad Khezry

Unfair Terms in Consumer Contracts Regulations 1999 in England

Amir Mohammad Mahrokh

An Analysis of the Position of the Permission of the Leadership Regarding the Development of the Jurisdiction of the

Judicial Organization of the Armed Forces in Iran's Legal System

Mohammad Khorshidi Athar

Causes of the Emergence of Pragmatism in the Criminal Policy of Economic Crimes

Rostam Aliakbari, Arezo Cheraghi, Arsalan Moradi

The Right of the Child to Leave the Country by the Mother is a Challenge in Iran's Judicial Procedure (with Emphasis on the Decree Issued by the 11th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)

Mohammad Saeid Hosseini, Shayesteh Salehi, Nahid Ghasemi, Mohsen Mahdizadeh

Civil Liability of Pilgrimage Tours against Damages Caused to Pilgrims

Alireza Shamshiri, Parisa Rezvan

Crimes Committed Against Cultural Heritage in Iranian and United States Law

Vahid Kiomarsi, Masoud Mostafapoor

Jurisprudential Analysis of the Responsibility of Fire Officers in the Legal System of Iran and England

Majid Kiani Rad

Challenging Paths to the Future of Artificial Intelligence Law

Behrokh Ganji, Mohammad Gharibshah

Effects of Option Sale in Iranian and French Law

Ardeshir Amjadi Golpaygani

Measures to Prevent Financial Corruption in the Iranian Banking System: Pathology and Improvement Strategies in Two Proactive and Reactive Areas

Sayyed Bahman Akbari

Necessities of the Contract in Iran's E-commerce Laws

Mohsen Fallah, Khatereh Derogar Lichahi

An Analysis of Strict and Lenient Incarceration Policy in the Criminal Law of the Armed Forces

Yasser Shakeri

Human Rights, Pragmatism and the Limits of Moral Theory: A Review of Human Rights as Politics and Idolatry

Soheil Golchin

inprotected.com